

## کتبه‌های شیعی از قرن پنجم هجری در شمال سوریه

احمد خامه‌یار<sup>۱</sup>

در دو قرن چهارم و پنجم هجری، منطقه شمال سوریه، به مرکزیت شهر حلب، شاهد تأسیس دو دولت از نخستین دولتهای غیر علوی در تاریخ شیعه بود. دولت نخست یعنی دولت حمدانیان، در اوایل قرن چهارم هجری توسط سیف الدوله حمدانی (۳۳۳-۳۵۶ ه) پایه گذاری شد. دولت دوم، دولت بنی مرداس بود که پس از انقراض سلسله حمدانیان، در اوایل قرن پنجم توسط صالح بن مرداس (۴۱۵-۴۲۰ ه) تأسیس شد و با آغاز سلطه سلجوقیان بر منطقه شام، از بین رفت. در دوره‌های تاریخی بعدی، با توجه به روی کار آمدن حاکمان سنی مذهب و آغاز سختگیری‌ها نسبت به شیعیان، به تدریج از حضور و نقش سیاسی و اجتماعی آنان در این منطقه کاسته شد؛ به طوری که تا پایان دوره عثمانی، شیعه به اقلیت کوچک و کم‌جمعیتی در منطقه تبدیل شده بود.

هنوز در برخی بناهای باقیمانده از دوران گسترش تشیع در شهر حلب و منطقه شمال سوریه، کتبه‌هایی با مضامین مذهبی شیعی وجود دارد که سند و یادگاری از حضور تاریخی شیعیان در این منطقه به شمار می‌آید. به نظر میرسد برخی از این کتبه‌های که قدمت آن از قرن پنجم هجری است، از کهن‌ترین کتبه‌های شیعی و قدیمی ترین نمونه‌های باقیمانده از نوع خود باشد و بنابراین از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در تاریخ هنر و معماری شیعی برخوردار است. بدون شک در دیگر سرزمین‌های جهان اسلام به ویژه عراق و ایران، بناهای و زیارتگاه‌های شیعی قدیمی تری وجود دارد که دارای کتبه‌هایی با مضامین شیعی بوده است، ولی بیشتر این بناهای در دوره‌های بعدی، دستخوش بازسازی‌ها و تغییرات متعدد شده است و تاریخ کتبه‌های شیعی موجود در آن، به دوره‌های تاریخی پسین باز می‌گردد. از جمله قدیمی ترین کتبه‌های

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مطالعات اسلامی.

کتبه‌های شیعی از قرن پنجم هجری در شمال سوریه/ احمد خامه‌یار

شیعی که تا به امروز باقیمانده است، می‌توان به کتبه‌های از عضدالدولاً دیلمی (۳۳۸-۳۷۲ هـ) در تخت جمشید اشاره کرد که در آن نام دوازده امام به کار رفته است.<sup>۱</sup> در ادامه، به کتبه‌های شیعی باقیمانده از قرن پنجم هجری در شمال سوریه اشاره خواهد شد.

### سنگنوشته‌های شیعی در روستاهای ادلب

در بسیاری از روستاهای خرابه‌های تاریخی منطقه ادلب، سنگنوشته‌ها و سنگ قبرهای بسیار قدیمی با خطوط عربی ساده از قرون نخستین هجری یافت می‌شود که در برخی از آنها، عبارتهای شیعی به چشم می‌خورد. از جمله بر دیوار یک بنای باستانی در روستای بارا (واقع در ۳۳ کیلومتری جنوب ادلب) سنگنوشته‌ای عربی مورخ ۴۶۱ هـ وجود دارد که در کنار آن عبارت «محمد وعلی، کلاهما املی؛ محمد و علی هر دو امید من هستند، به چشم می‌خورد».<sup>۲</sup>

### کتبه سردر مشهد امام علی (ع) در معراج مصرین

معراج مصرین، شهر کوچکی است واقع در حدود ۱۱ کیلومتری شمال ادلب. قدمت آن به پیش از اسلام باز می‌گردد و در سال ۱۶ هجری توسط مسلمانان به فرماندهی ابو عبیده بن الجراح (۱۸ م) فتح شده است.<sup>۳</sup> این شهر در گذشته از شهرهای شیعه‌نشین منطقه بوده است، ولی امروزه شیعیان در آن اقلیتی بیش نیستند و تعدادشان از چند هزار نفر فراتر نمی‌رود. در محله شیعه نشین آن، زیارتگاهی با قدمت هزار ساله وجود دارد که نزد اهالی منطقه به «مشهد امام علی (ع)» شناخته می‌شود. در منابع تاریخی به این زیارتگاه اشاره‌های نشده است و در حال حاضر هیچ یک از اهالی منطقه از سبب پیدایش و بنای آن و اینکه چه ارتباطی با حضرت علی (ع) داشته است، اطلاع ندارند. شاید بتوان احتمال داد که این «مشهد»<sup>۴</sup> از زیارتگاه‌هایی بوده که بر بنای رؤیا و دیدن حضرت علی (ع) در خواب در محل بنای آن، ایجاد شده است. این گونه زیارتگاه‌ها، به طور گستردگی در قرون نخستین هجری، به ویژه در شام و مصر، وجود داشته است.<sup>۵</sup>

۱. آزاد، میرزا و شایسته فر، مهنا «کتبه‌های اینه دوران آل بویه، با تأکید بر مضامین مذهبی»، مطالعات هنر اسلامی، ش. ۱، سال ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص. ۴۹.

۲. قوصرة، فائز، التاریخ الائیری للاواید العربیة الاسلامیة فی محافظۃ ادلب، دمشق: وزارة الثقافة، ۲۰۰۶ م، ص ۷۶-۷۷.

۳. المعجم الجغرافي للقطر العربي السوري، باشراف: مصطفی طلاس، بیجا، مرکز الدراسات العسكرية بالتعاون مع الجمعية الجغرافية السورية و المؤسسة العامة للمساحة، چاپ ۱، ۱۹۹۰ م، ص ۴۰/۳.

۴. «مشهد» در زبان عربی متراծ با آرامگاه یا زیارتگاه بوده است، ولی در قرون اولیه هجری به طور ویژه بر قبور و مزارات اهل بیت (ع) دلالت داشته است. وجه تسمیه شهر مشهد نیز وجود آستان مقدس امام رضا (ع) در آن بوده است. برای آگاهی بیشتر در این باره، ر.ک: رزق، عاصم محمد، معجم مصطلحات العمارة والفنون الاسلامیة، قاهره: مکتبه مدبوی، چاپ ۱، ۲۰۰۰ م، ص ۱۷۶-۱۷۷.

۵. علی بن ابی بکر هروی (۶۱۱ م) به تعدادی از زیارتگاه‌های مبتنى بر رویت شخصیت‌های مقدس اسلام به ویژه حضرت علی (ع) اشاره کرده است. ر.ک: الاشارات إلى معرفة الزیارات، تحقیق: جانین سوردیل - طومین،

بنای مشهد دارای ساختمان ساده‌ای است و از شبستان کوچکی در سمت جنوب و صحن کوچکی در شمال تشکیل یافته است. شبستان دارای گنبد نیمکرهای است. ورودی بنا در میان ضلع شمالی صحن قرار دارد. بنای مشهد بیشتر به یک مسجد کوچک و ساده شباht دارد و با بنای مسجد یا مقام ابراهیم خلیل (ع) در قلعه حلب، از آثار دوره بنی مرداس، قابل مقایسه است.

بر سردر بنا، سنگی وجود دارد که حاوی نقوش هندسی اسلامی است. در بالای این نقوش، کتیبه‌ای در چهار سطر به خط کوفی غیر منقطع وجود دارد که بر اساس آن، نام بانی مشهد، «سلطان بن ابراهیم بن علی» و تاریخ بنای آن سال ٤٢٦ هـ.ق. است. این تاریخ، مصادف با دوره حاکمیت امیر شبل الدوّله نصر

بن صالح بن مرداس (٤٢٩-٤٢٠ هـ) بر منطقه است. متن کتیبه چنین است:

[سطر ۱]: بسم الله الرحمن الرحيم، لا اله الا الله، محمد رسول

[سطر ۲]: الله، على ولی الله، صلی الله علیہما، هذا مشهد امير

[سطر ۳]: المؤمنین على ابن ابی طالب بناء سلطان بن ابراهیم بن علی

[سطر ۴]: فی سنۃ ست و عشرين و اربعمائة

در سمت چپ ورودی، کتیبه دیگری وجود دارد که بر اساس آن، بنای مشهد در سال ١٣٧٨ هـ.ق. توسط «جمیل رحال»، رئیس کمیته اوقاف شیعه در معراج مصرین، بازسازی شده است.



تزیینات و کتیبه سردر مشهد امام علی (ع) در معراج مصرین  
(عکس از مؤلف)

دمشق: العهد الفرنسي، چاپ ۱، ۱۹۵۳م. ابن شداد حلبي (م ٦٨٤ هـ) نیز تعدادی از این گونه زیارتگاه‌ها در شهر حلب را نام برده است. ر. ک: الاعلائق الخطيرة في ذكر امراء الشام والجزيره، تحقيق دومینیک سوردلیل، دمشق: العهد الفرنسي للدراسات العربية، ۱۹۵۳م، ۱/۱-۴۲.

کتیبه‌های شیعی از قرن پنجم هجری در شمال سوریه/ احمد خامه‌یار

### كتيهه مناره مسجد جامع حلب

مسجد جامع یا جامع کبیر یا مسجد جامع اموی حلب، از مهمترین مساجد دوره اموی است که در پایان قرن اول هجری بنا شده است. گفته شده این مسجد را سلیمان بن عبدالملک (۹۹-۹۶ هـ)، خلیفه اموی، در رقابت با مسجد اموی دمشق که توسط برادرش ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ هـ) ساخته شده، بنا کرده است؛ ولی بنا بر قول دیگری، مسجد اموی حلب نیز توسط ولید بنا شده است. مسجد در دوره‌های بعدی، دچار تخریب‌ها و آتشسوزی‌های متعددی شده و پس از هر حادثه بازسازی شده است. از مهمترین این حوادث، آتشسوزی بزرگی بود که در سال ۵۶۴ هـ توسط اسماعیلیان صورت گرفت. پس از این آتشسوزی، مسجد توسط سلطان نورالدین محمود بن زنگی (۵۶۹-۵۴۱ هـ)، بازسازی شد و توسعه یافت<sup>۱</sup> و طرح بنای کنونی آن از همین دوره است. مسجد اموی حلب به علت وجود مزاری منسوب به حضرت زکریای پیامبر (ع) در شبستان آن، نزد اهالی حلب به جامع زکریا نیز شهرت دارد.<sup>۲</sup>

در گوشۀ شمال غربی صحن مسجد، مناره‌ای با پلان مریغ به طول ضلع حدود ۴۹۵ و ارتفاع ۴۵ متر وجود دارد. این مناره از نظر تزیینات و جزئیات معماری، نخستین و کامل‌ترین نمونه از نوع خود<sup>۳</sup> و یکی از زیباترین مناره‌های سوریه به شمار می‌آید. بدنه مناره از پنج طبقه با تزیینات متنوع ساخته شده است و در نقطۀ اتصال طبقات، کتیبه‌هایی به خط کوفی و ثلث قرار دارد.<sup>۴</sup>

كتيهه فوقاني سومين طبقه، به خط ثلث مورق و حاوی آيه بسمله و آيه ۵۶ سوره احزاب (به جز بخش پایانی آن يعني عبارت «وَسَلَّمُوا تَسْلِيمًا») و صلوات بر چهارده معصوم است. متن کامل آن بدین شرح است:

[صلع شرقی]: بسم الله الرحمن الرحيم إن الله و ملائكته يصلوون على الـ

[صلع جنوبی]: نبی يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه اللهم صل على محمد المصطفا وعلى الـ

[صلع غربی]: المرتضى و فاطمة الزهراء والحسن والحسين و على و محمد و جعفر و موسى و على

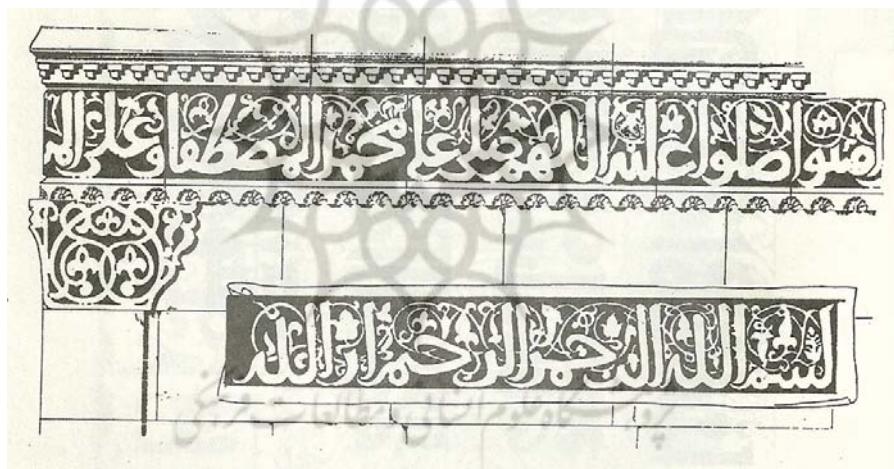
[صلع شمالی]: الرضى و محمد و على و الحسن و الحجۃ القائم و ارفع منارهم و ارحم اولياءهم

- فارس، محمد کامل، *الجامع الاموي بحلب: تاريخه ومعالمه الاثرية*، حلب: دار القلم العربي، چاپ ۱، ۱۹۹۵، ص ۱۶.
- این مزار در اصل منسوب به سر حضرت یحیی بن زکریا (ع) بوده است که از قلعه حلب به این محل منتقل شده است. ر.ک: ابن شداد، همان، ۴۰/۱/۱.
- نمونه‌های مشابه دیگر این مناره را می‌توان در برخی مساجد جامع شهرهای شمال سوریه از جمله معرب التعمان و نیز مسجد بزرگ قلعه حلب یافت. همه این مناره‌ها از مناره‌جامع حلب الگو گرفته‌اند و از نظر تزیینات بسیار ساده‌ترند.
- برای آگاهی تفصیلی از این مناره و تزیینات و کتیبه‌های آن، ر.ک: فارس، محمد کامل، همان، ص ۲۸ به بعد.

کتیبه‌های شیعی از قرن پنجم هجری در شمال سوریه / احمد خامه‌یار



صلع جنوبی کتیبه حاوی اسمی معصومین، در منارة مسجد جامع حلب  
(عکس از مؤلف)



بخش‌هایی از کتیبه حاوی صلوات بر چهارده معصوم روى منارة مسجد جامع حلب  
(فارس، محمد كامل، الجامع الاموى بحلب: تاریخه و معالمه الاثریه، حلب: دار القلم العربي، چاپ ۱، ۱۹۹۵، ص ۷۷)

سیام بهارستان / ۲۳، سیمین / ۱۱ / بهار ۹۰

همچنین کتیبه فوقانی طبقه چهارم، حاوی آیه بسمله و دو آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائدہ به خط کوفی مورّق است. این دو آیه، از جمله آیاتی است که شیعیان برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین (ع) به آن تمسّک می‌جوینند. در گزارش‌های موجود در منابع تاریخ حلب، جزئیاتی درباره بنای مناره نقل شده است. ابن شداد حلبی (م ۶۸۴) از بهاءالدین ابومحمد حسن بن ابراهیم بن سعید بن یحیی (از شخصیت‌های

کتبهای شیعی از قرن پنجم هجری در شمال سوریه/ احمد خامه‌یار

خاندان بنی خشّاب) نقل کرده است که عمومی پدرش، فخرالدین ابوالحسن محمد بن یحیی، در سال ۴۸۲ هـ ساخت مناره را به پایان رساند.<sup>۱</sup>

وی همچنین از ابن عدیم حلبی (م ۶۶۰ هـ) - که خود از عُظَمَی می (م ۵۵۶ هـ) روایت نموده، نقل کرده است که در سال ۴۸۲ هـ مناره مسجد جامع حلب توسط قاضی ابوالحسن محمد بن یحیی بن محمد بن خشّاب، در زمان قسیم‌الدوله آفسنقر، حاکم حلب در دوره سلجوقی، عمارت گردید. براساس این گزارش، ابن خشّاب، نام آق سنقر را روی مناره نوشت و سپس نزد او رفت و رضایت‌وی را برای ساخت مناره جلب کرد.<sup>۲</sup> ابن عدیم در جای دیگری گفته است که مناره حلب، در ایام قسیم‌الدوله، در سال ۴۸۲ هـ بازسازی شد.<sup>۳</sup> ابن ابی طی (م ۶۳۰ هـ) مورخ شیعه حلب نیز در تاریخ خود نوشته است: مناره در زمان سابق بن محمود بن صالح [بن مرداس] به دست قاضی ابوالحسن ابن خشّاب تأسیس شد. معمار آن مردی از اهالی سُرمینبود که پی مناره را به آب رساند و سنجگهای آن را با چنگک‌های آهنی و سربی محکم کرد. او ساخت مناره را در ایام قسیم‌الدوله آق سنقر به پایان رساند.<sup>۴</sup>

علاوه بر گزارش‌های یاد شده، اطلاعات دیگری نیز از کتبهای مناره درباره زمان ساخت آن به دست می‌آید. در ضلع جنوبی اولین طبقه مناره، کتبه‌ای در دو سطح وجود دارد که در آن، نام معمار بنا «حسن بن مفرح السرمانی» و تاریخ بنا سال ۴۸۳ هـ ذکر شده است. براساس کتبهٔ فوقانی همین طبقه، مناره در دوره ملک شاه سلجوقی بازسازی شده است. در کتبهٔ دیگری که در پایین همین کتبه قرار دارد، نام قسیم‌الدوله آفسنقر ذکر شده است. براساس کتبهٔ فوقانی طبقهٔ پنجم مناره نیز، ساخت آن در دوره «تش» سلجوقی به پایان رسیده است.<sup>۵</sup>

با جمعبندی این اقوال و گزارش‌ها و در نظر گرفتن متن کتبه‌ها، میتوان چنین نتیجه گرفت که در دوره سابق بن محمود مرداسی (۴۶۸-۴۷۲ هـ)، ساخت مناره آغاز و شد؛ سپس در ایام قسیم‌الدوله آفسنقر (۴۷۸-۴۸۷ هـ)، حاکم حلب در دوره سلجوقی، و معاصر دو پادشاه این دوره، «ملکشاه» و «تش»، به پایان رسید.<sup>۶</sup>

به هر روی، از منابع تاریخی معتبر چنین بر می‌آید که مناره جامع حلب به همت فخرالدین ابوالحسن محمد بن یحیی بن محمد بن خشّاب، معروف به «ابوالحسن ابن خشّاب»، بنا شده است. او از شخصیت‌های خاندان شیعه مذهب «بنی خشّاب» در حلب و قاضی این شهر در دوره سلجوقی بوده است. این امر، تفسیرگر وجود کتبه‌ای با مضامین شیعی روی این مناره است.

۱. این شدّاد، همان، ۳۳/۱۱.

۲. همان، ۳۴/۱۱.

۳. سُرمین، شهرکی است واقع در ۸ کیلومتری شرق ادلب که در گذشته از شهرهای بزرگ شمال سوریه و از مراکز مهم اسماعیلیان در شام بوده است. ر.ک: قوصرة، فایز، همان، ص ۴۷.

۴. این شدّاد، همانجا.

۵. فارس، محمد کامل، همان، ص ۳۲-۳۶.

۶. همان، ص ۳۷.

## نهضت ترجمه در عصر قاجار

احمد محسنی<sup>۱</sup>

آرسینه خاچاطوریان سراده‌ی<sup>۲</sup>

در تاریخ بشریت، ترجمه دارای نقش اساسی و بسیار مهمی بوده و از دیرباز، در پویایی دانش و فرهنگ بشری و انتقال آن به جوامع و ملل دیگر، نقش بزرگی ایفا کرده است. این مطلب تا به اینجا مورد توجه است که با توجه به اینکه تکنولوژی در حال پیشرفت و رقابت بین کشورهای جهان به شدت رو به گسترش است، نیاز به ترجمه را می‌توان یک امر ضروری ارزیابی نمود.

سابقه ترجمه شاید به دوران باستان بازگردد که انسان توانست با ایجاد یک مسیر فکری مشخص در دنیای خویش، با بهره‌گیری از تجارت و استعدادهای ملت‌های دیگر، به تکمیل یافته‌های خود بپردازد و پیشرفت نماید. پس باید اظهارکنیم که عمر ترجمه به درازای تاریخ است و این شاید همان ظهور انقلاب علمی در جهان باشد. براین اساس، سابقه ترجمه در ایران بسیار طولانی است و چنان‌که از شواهد و قرائن استخراج می‌شود، ترجمه در ایران از ادوار گذشته تاریخی ملت ما حضور داشته و در عصر باستان، یکی از علوم مسلم و شناخته شده به حساب می‌آمده است. این در حالی است که می‌دانیم سوابق ترجمه در فلات ایران، مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد بوده که اکنون اثری از این ترجمه‌ها وجود ندارد. بیشتر صاحب نظران، بر این عقیده استوارند که ترجمة متون پیش از اسلام، در ایران رونق بسیاری داشته و پس از ورود اسلام، دانشمندان و فلاسفه ایران از هر قوم، ملت و دینی، در نهضت‌های طلایبی ترجمه که

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی ( واحد تهران جنوب، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی).